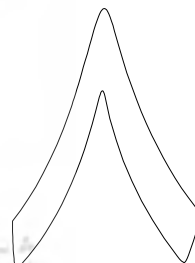


عثمانی گرایي جديد در سياست خارجي تركيه: شاخص ها و پيامدهاى آن در خاورميانه

* على اميدى

** فاطمه رضايى



* على اميدى استاديوار روابط بين الملل دانشگاه اصفهان مى باشد.

al.omidi@gmail.com

** فاطمه رضايى كارشناس ارشد روابط بين الملل مى باشد.

تاريخ تصويب: ۱۳۹۰/۲/۱۰

تاريخ دريافت: ۸۹/۱۰/۸

فصلنامه روابط خارجي، سال سوم، شماره سوم، پاييز ۱۳۹۰، صص ۲۶۷-۲۳۱.



چکیده

نگاهی کوتاه به اقدامات ترکیه در سال‌های اخیر و به‌ویژه از سال ۲۰۰۲ تا کنون (پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه)، به‌روشنی تغییرات در سیاست خارجی ترکیه را نشان می‌دهد. آنکارا بی‌وقفه در مسیر رسیدن به جایگاه شایسته‌تر در جهان اسلام و عرصه روابط بین‌الملل در حرکت است و نمود آن را در گسترش روابط این کشور با کشورهای اسلامی و خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. این سیاست آنکارا «نوعثمانی‌گرایی» نامیده شده است.

ترکیه پس از چند دهه گرایش یک‌جانبه به غرب، اکنون راه میانه و سیاست متعادل‌تری را در قبال همسایگان و خاورمیانه در پیش گرفته و متناسب با منافع ملی خود، روابطش را با جهان اسلام و غرب گسترش می‌دهد. ترکیه خواستار قرار گرفتن در رده ۱۰ قدرت نخست جهان تا سال ۲۰۲۳ است و تلاش‌های سال‌های اخیر این کشور برای برقراری رابطه متوازن با قدرت‌های جهانی، قطبیت در جهان اسلام و فیصله مسائل با همسایگان را می‌توان در این راستا تحلیل کرد. مقاله حاضر تلاش دارد تا مؤلفه‌های این تغییر سیاست آنکارا را با توجه به رهیافت سازه‌انگاری تحلیل کند و تأثیر آن را بر خاورمیانه، به‌ویژه ایران مورد واکاوی قرار دهد. نگارندگان مقاله حاضر بر این باورند که با توجه به پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ژوئن ۲۰۱۱، سیاست خارجی جدید ترکیه موسوم به نوعثمانی‌گرایی کماکان سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های این کشور قرار خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، سیاست خارجی، نوعثمانی‌گرایی،
خاورمیانه، اتحادیه اروپا

مقدمه

ترکیه طی یک دهه اخیر توانسته با ابتکار عمل در صحنه داخلی و نوآوری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نه تنها به‌عنوان یک بازیگر خاورمیانه‌ای، بلکه به‌عنوان عضو فعال دنیای اسلام و یک کشور مسلمان اروپایی و توسعه‌گرا معرفی کند. ترکیه در خاورمیانه نقش و جایگاه اساسی پیدا کرده است و در معادلات این منطقه نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. این کشور علاوه‌بر شرکت فعال برای حل بحران‌های منطقه‌ای، نقش فرهنگی خود را از یاد نبرده و در صدد ارائه چهره‌ای نوگرا و اسلامی از خود در فضای بین‌المللی است. اما وجهه‌ای که ترکیه به‌دنبال آن است موجب نمی‌شود که منافع ملی خود را برای دست یافتن به این جایگاه به خطر اندازد. عملکرد دولت ترکیه طی سال‌های اخیر نشان‌دهنده آن است که این کشور می‌خواهد هدف خود مبنی بر ارائه چهره جدیدی از ترکیه که می‌تواند پلی میان دنیای اسلام و غرب باشد، را با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه و از طریق پیگیری مواضع متعادل و میانه‌رو جامه عمل بپوشاند (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۷۹). به‌نظر می‌رسد این کشور توانسته تا حد مطلوبی به این هدف خود برسد.

نکته مهم این است که ترکیه در تلاش است به‌جای جایگاه بی‌طرفانه در امور خاورمیانه، تبدیل به بازیگری مهم در این منطقه گردد (بیاتی، ۱۳۸۸: ۲). از آغاز هزاره سوم، آنکارا نشان داد که از وضعیت و نقش کم‌رنگ خود در خاورمیانه ناراضی است و تلاش کرده است با اقداماتی از جمله ایفای نقش میانجی بین فلسطین و اسرائیل، توجه به کنفرانس اتحادیه عرب، همکاری و حضور در میان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان (Perthes, 2010: 4)، همراهی با نیروهای

ناتو در افغانستان، بنیان‌گذاری دی-۸^۱، ایفای نقش در برنامه هسته‌ای ایران و برقراری روابط متوازن با سوریه، ایران و عراق، نقش‌های جدی‌تری را در منطقه ایفا کند. در کنار مباحث یادشده، رهبران ترکیه کوشیدند نقش مؤثری در حل و فصل بحران‌های بالکان، مناقشات قفقاز و آسیای مرکزی ایفا کنند.

از سویی، تلاش ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا کماکان ادامه دارد. از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به مجموعه غرب و به‌ویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است، گرچه روابط ترکیه با امریکا و اروپا دارای افت و خیز زیادی بوده است؛ ولی در یک نگاه کلی ترکیه هیچ‌گاه در سیاست خارجی خود غرب را از اولویت اصلی خود خارج نکرده و این روند همچنان ادامه دارد (اعلایی، ۱۳۸۹: ۲).

این سیاست خارجی جدید ترکیه در محافل آکادمیک به نوعثمانی‌گرایی^(۱) معروف و موسوم شده است که مقاله حاضر براساس روش توصیفی - تحلیلی و گاه تحلیل محتوای گفته‌های مقامات عالی‌رتبه ترکیه، شاخص‌ها و پیامدهای آن را در خاورمیانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ بنابراین پرسش‌های اساسی این مقاله به شرح زیر است:

۱. براساس نظریه سازه‌انگاری، ویژگی‌های نظریه نوعثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه و تفاوت آن با کمالیسم و امپراتوری عثمانی چیست؟
 ۲. نوعثمانی‌گرایی چه تأثیری بر روابط ترکیه با ایران و کشورهای مهم منطقه خاورمیانه شامل عراق، سوریه، عربستان و مصر گذاشته است؟
- این نوشتار به بررسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی ترکیه و حرکت به سمت عثمانی‌گرایی جدید با فاصله گرفتن از قرائت‌های افراطی از کمالیسم می‌پردازد و بازتعریف روابط ترکیه با کشورهای خاورمیانه در ذیل این سیاست مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. D-8

چهارچوب نظری: نظریه سازه‌انگاری و سیاست خارجی

در مجموع، نظریه‌ها از دو زاویه به مطالعه سیاست خارجی می‌پردازند. دسته‌ای نقش عوامل مادی و محیطی (خارجی و داخلی) را علت اصلی شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها قلمداد می‌کنند. این دسته که در تاریخ اندیشه‌های روابط بین‌الملل به خردگرایان^۱ مشهورند، در دو طیف قرار می‌گیرند: طیف نخست، نظریه‌هایی هستند که به سطح کلان می‌پردازند و سیستم بین‌الملل را تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت‌ها قلمداد می‌کنند. طیف دوم، نظریه‌هایی هستند که به توضیح سیاست خارجی دولت‌ها در سطح خرد می‌پردازند و به عوامل داخلی در تعیین سیاست خارجی دولت‌ها اولویت می‌دهند (Martin, 1999: 49). دسته دوم، نظریه‌های معناگرا هستند که موتور محرکه سیاست خارجی را عوامل غیرمادی و فرهنگی قلمداد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مصادیق این دسته که به انعکاس‌گرایان^۲ مشهورند، نظریه سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری نظریه‌ای است که رفتار دولت را در متن اجتماعی آن دولت مورد بررسی قرار می‌دهد.

سازه‌انگاری عنوان می‌کند بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود (که برآمده از تلقی‌های هویتی آنهاست) دست به کنش متقابل می‌زنند که طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این مسئله در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور این است که یک دولت، براساس نوع تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و براساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و متقابلاً خود نیز ساخته می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۳).

ایمانوئل آدلر نیز با محور قرار دادن مقوله هویت، بیان می‌کند که هویت دولت‌ها محور «تعریف» آنها از «واقعیت» و ساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن و امنیت و... و درنهایت تصمیم‌گیری و کنش براساس آنهاست. او بیان می‌کند که کشورها مانند افراد تا اندازه زیادی زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند. این قضاوت‌های ارزشی، کنش را از

1. Rationalists

2. Reflectivists

طریق تحت نفوذ قرار دادن برداشت ما از موقعیت‌های ویژه و نیز جهت دادن به انتخاب‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند (Adler, 1997: 7-50).

تحلیل سازه‌انگارانه از سوی دیگر متوجه تأثیر تاریخ در شکل دادن به سیاست خارجی نیز هست. در این راستا سازه‌انگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند. بدون شک تحلیل سازه‌انگارانه از سیاست خارجی به دنبال کنار گذاشتن الگوی سنتی نیست، بلکه با گرفتن وسایل تحلیل آن، به زنده کردن روشمند نقش باورها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی می‌پردازد (ونت، ۱۳۸۴).

با توجه به ظرفیت‌های تئوریک نظریه سازه‌انگاری، در مقاله حاضر نیز سعی شده تا این دیدگاه برای تحلیل سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه به کار گرفته شود. پیش از آن، فرایند تکوین هویت ترکیه جدید و تأثیر آن بر سیاست خارجی این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس فرایند تحول هویتی نخبگان حاکم در ترکیه و همچنین تغییر در خط‌مشی سیاست خارجی این کشور تحلیل می‌شود.

مبانی و اصول پایدار سیاست خارجی ترکیه پس از ۱۹۲۳

همان‌گونه که بیان شد، طبق رویکرد سازه‌انگاری و دیدگاه‌های پسامردن، اساساً سیاست خارجی دولت‌ها بازتاب تعریفی است که نخبگان حاکم از خود و دولیشان برمی‌سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۰-۱۰). به‌رغم تغییرات و تجدیدنظرهایی که به مناسبت تحول اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی ترکیه صورت گرفته است می‌توان گفت، راهنمای سیاست خارجی ترکیه نوین، بسیار متأثر از اصولی است که در تأسیس جمهوری ترکیه نوین تحت عنوان کمالیسم بر ساخته شد (طاهایی، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

کمالیسم مبتنی بر اصول شش‌گانه زیر است که در قانون اساسی سال ۱۹۳۷ نیز مندرج شد:

(۱) ناسیونالیسم، (۲) سکولاریسم، (۳) جمهوری‌خواهی، (۴) مردم‌گرایی، (۵)

دولت‌گرایی، ۶) اصلاح‌طلبی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

اصول یادشده در بسیاری از موارد تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی ترکیه داشته است. تأثیرگذاری این اصول بر سیاست خارجی بدین ترتیب بود که تحت تأثیر این اصول، رهبران ترکیه، جامعه‌ای با دو ویژگی عمده بنا نهادند: ویژگی نخست ترکیه را از کشورهای منطقه و مسائل آن دور می‌کرد و ویژگی دوم، سیاست خارجی ترکیه را هرچه بیشتر به سوی غرب سوق می‌داد (Cornell, 2001: 34)؛ لذا تا دهه ۱۹۶۰ که ترکیه با معضلات منطقه‌ای در سیاست خارجی خود مواجه نشده بود، مسائل منطقه‌ای در درجه دوم از اولویت‌های سیاست خارجی این کشور قرار داشت (کاکایی، ۱۳۸۴: ۶۶).

در پرتو اصول یادشده، ترکیه خط‌مشی‌های زیر را به‌عنوان استراتژی سیاست خارجی تعریف کرده است:

۱. بهره‌برداری از قدرت اقتصادی و صنعتی غرب؛
 ۲. تلاش برای شناخته شدن به‌عنوان یک ملت اروپایی و پذیرفته شدن در تمدن غرب (کاکایی، ۱۳۸۴: ۶۶)؛
 ۳. مداخله نکردن در امور کشورهای خاورمیانه‌ای (کاکایی، ۱۳۸۹: ۲)؛
 ۴. پرهیز از مداخله در مناقشات میان کشورهای منطقه؛
 ۵. توسعه روابط دوجانبه با همه کشورهای منطقه (Perthes, 2010: 3)؛
 ۶. توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۸).
- با عنایت به فلسفه بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به‌عنوان اصل نخست کمالسیم، موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه را در قبال خاورمیانه تحت تأثیر قرار داده بود؛ به‌گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار گرفته بود (فولر، ۱۳۷۹: ۱۱۶-۱۱۵). ترک‌های ناسیونالیست معتقدند که ترکیه از معاهده ۱۶۹۹ کارلوویتز^(۲) رسماً اروپایی شده است و معاهده ۱۸۵۶ صلح پاریس تأییدی مجدد بر این انگاره بوده است.

براساس میراث کمالیسم بود که برای مدتی طولانی در ترکیه، مذهب به‌عنوان

نشانه رژیم‌ها و حکومت‌های سنتی نگریسته شد و درعین حال لائیسزم، خطی شد بین روشنفکری و تحجر، بین ترقی و محافظه‌کاری، بین مدرنیته و سنت. لائیسزم، مذهب را خارج از محدوده اجتماع و یک امر شخصی قلمداد کرد. کمالیسم با برابر قرار دادن اسلام با انحطاط و عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، جمهوری ترکیه لائیک را پایه‌گذاری کرد و مذهب از سوی دولت سکولار ترکیه تحت کنترل قرار گرفت (Taspinar, 2008).

تحولات عمیق در صحنه سیاست بین‌المللی - منطقه‌ای و تأثیرات آن در ترکیه از یک سو و بلوغ نسبی سیاسی احزاب و گروه‌ها در این کشور از سوی دیگر سبب شد ترکیه وارد فرایند تحولات عمیق‌تری از تغییرات شود. سیاست‌های اقتصادی و سیاسی **تورگوت اوزال** در دهه ۱۹۸۰ که در محافل سیاسی از آن به‌عنوان گلاسنوست و پروستوریکای ترکیه تعبیر می‌شود و پیامدهای ناشی از پایان جنگ سرد، سیاست خارجی و داخلی ترکیه را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۲۶). اجرای این سیاست‌ها با تضعیف سنت پایدار و تاریخی دولت‌گرایی در ترکیه، زمینه را برای رشد یک جامعه مدنی و بخش خصوصی نسبتاً قدرتمند در دهه ۱۹۹۰، در سال‌های آغازین قرن ۲۱ فراهم کرد (اعلایی، ۱۳۸۹: ۲-۱). این امر منجر به ورود گسترده اسلام‌گرایان به عرصه سیاست شد. ورود اسلام‌گرایان به عرصه سیاسی این کشور به‌صورت تدریجی بوده است و درنهایت از سوی نخبگان سکولار و نظامیان به‌عنوان یک واقعیت، مورد پذیرش قرار گرفت.

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و برسازای هویت جدید برای ترکیه همانندی فرهنگی و سیاسی با بدنه اجتماع، کاپیتالیسم، جهانی‌شدن و اشتیاق ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا از مسائل تعیین‌کننده برای کمک به «حزب عدالت و توسعه» بود که در سال ۲۰۰۲ به قدرت برسد (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). رهبر حزب عدالت و توسعه، **رجب طیب اردوغان**، آنقدر زیرک بود که بفهمد اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا، موسوم به معیارهای کپنهاگ، تحکیم دموکراسی همراه با کاهش قدرت ارتش و سست شدن پایه‌های قدرت احزاب به‌شدت سکولار بوده است. از این رو، مهم‌ترین هدف حزب عدالت و توسعه، تقدم جامعه مدنی بر دولت

پادگانی است. رجب طیب اردغان، مهارت فوق‌العاده‌ای در ساده حرف زدن و ارتباط برقرار کردن با توده مردم و درعین حال جسارت لازم برای پیگیری و اجرای سیاست‌ها و وعده‌های خود دارد. از دید رهبران حزب عدالت و توسعه، اتحادیه اروپا جایی است که در آن نهاد نظامی تحت مدیریت نهاد مدنی قرار می‌گیرد و در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، می‌توان برای همیشه ترکیه را مانند اروپای جدید از کودتا دور نگه داشت (قهرمان‌پور: ۱۳۸۹).

از این رو است که برای حزب عدالت و توسعه عضویت در اتحادیه اروپا از اولویت‌های سیاست خارجی بوده است (Hale, 2006: 160) و همین باعث حمایت اکثریت طبقه متوسط جامعه، بازرگانان و بسیاری از روشنفکران لیبرال از آنها شد. **آگمن باغیش**، وزیر مشاور و سرپرست هیئت مذاکره‌کننده ترکیه با اتحادیه اروپا می‌گوید: «ما غربی‌ترین نقطه شرق و شرقی‌ترین نقطه غرب هستیم. ما نماینده ارزش‌های بین‌المللی هستیم. ۲۵ میلیون مسلمان اروپایی و ۵ میلیون دیاسپورای ترک در اروپا روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را از نزدیک دنبال می‌کنند...» (به نقل از اطهری: ۱۳۸۹). از زاویه‌ای شاید ظهور و پیروزی حزب عدالت و توسعه اقدامی ساختارشکنانه تلقی شود، لیکن تأکید این حزب بر دموکراسی، اقتصاد آزاد و حرکت بر مبنای نظام حقوقی و ارزشی غرب در واقع حاکم شدن قواعد دموکراسی در صحنه سیاسی ترکیه است (آزاد، ۱۳۸۹: ۱).

حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، اعلام کرد که ترکیه در یک شرایط منحصربه‌فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، دموکراسی و سکولاریزم قرار دارد. ترکیه نسبت به ایده «برخورد تمدن‌ها» اعتراض کرد و درعین حال واشینگتن نیز خواستار معرفی ترکیه به‌عنوان یک الگو برای جهان اسلام بود (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۹۰).

از زمانی که در سال ۲۰۰۲، حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید، سیاست خارجی این کشور توسط **احمد داوود اوغلو**، وزیر امور خارجه، تثوریزه شده است (Perthes, 2010: 2). داوود اوغلو، که تحصیل‌کرده روابط بین‌الملل است و سال‌ها در دانشگاه‌های ترکیه و مالزی تدریس کرده و اخیراً نیز به‌عنوان جانشین احتمالی اردوغان مطرح شده است دیدگاه‌های خود را در کتابی به‌نام «عمق



استراتژیک» منعکس کرده است. او استدلال کرد که سیاست خارجی ترکیه دارای توازن و تعادل نیست و تأکید بیش از حد بر رابطه با اروپای غربی و امریکا و غفلت از رابطه با دیگر کشورها به ویژه در خاورمیانه را نادرست دانست و معتقد بود جمهوری ترکیه روابط با دیگر کشورها از جمله شمال آفریقا و خاورمیانه را نادیده گرفته است و ترکیه امروز نیازمند بازی کردن در نقش‌های بزرگ‌تر است. رهبران حزب عدالت و توسعه خواستار رسیدن به تعادل در مقابل وابستگی‌های‌شان به غرب هستند و نه جایگزینی آن. حزب عدالت و توسعه در این مسیر جدید در داخل ترکیه نیز در حال بازگشت به هویت اصیل و تاریخی خود و دستیابی به اجماع ملی در این راستا است و این یادآور ترکیه‌ای است که وارث یک امپراتوری چندملیتی شامل خاورمیانه، شمال آفریقا، بالکان و قسمت‌هایی از اروپای مرکزی بود. این تأکید بر میراث عثمانی قسمتی از طرح اسلامیزه کردن ترکیه و سیاست خارجی ترکیه نیست بلکه کوششی برای ایجاد تعدیل کمالیسم در راستای واقعیت‌های ژئوپلیتیک ترکیه است (قهرمان‌پور: ۱۳۸۹).

از نظر داوود اوغلو، ترکیه همانند روسیه، مصر و ایران، چندوجهی و دارای شاخص‌های هویتی متکثر است و سیاست خارجی خود را باید براساس این هویت متنوع تنظیم کند. ترکیه با خاورمیانه، قفقاز، اروپا و بالکان همسایه است اما جزء هیچ‌یک از آنها نیست. باید با همه آنها تعامل سازنده داشته باشد. جهت‌گیری به یک سمت، نوعی عدم توازن در سیاست خارجی ترکیه به وجود می‌آورد. او همچنین استدلال می‌کند که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است». به همین دلیل او ترکیه را در زمره کشورهای کوچکی قرار می‌دهد که آنها را قدرت‌های مرکزی^۱ می‌نامد. او معتقد است ترکیه نباید خود را محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا خاورمیانه کند؛ زیرا کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای؛ بنابراین باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند؛ چیزی که به این کشور در نظام بین‌الملل اهمیت استراتژیک می‌دهد (شکوهی، ۱۳۹۰: ۱-۱۰).

1. Central Powers

مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دکترین عمق استراتژیک داود اوغلو را می‌توان چنین نام برد: (۱) ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛ (۲) برای اجرای بهتر آن باید بر روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا به‌نظر او کشورش با همه مناطق یادشده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛ (۳) نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند؛ (۴) اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛ (۵) باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا کند؛ (۶) با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه، نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین ببرد و (۷) به‌جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند به‌ویژه کشورهایی که زمانی جزء امپراتوری عثمانی بوده‌اند (شکوهی، ۱۳۹۰: ۴).

تحلیل‌گران، این سیاست خارجی جدید ترکیه را به‌مثابه نقش‌آفرینی جدید آنکارا در معادلات جهانی ارزیابی می‌کنند؛ همان‌گونه که عثمانی طی پنج قرن چنین جایگاهی داشت. از این‌رو، سیاست خارجی جدید ترکیه تحت عنوان «نوعثمانی‌گرایی» تعریف شد که دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. عملیاتی کردن سیاست و «صفر کردن مشکلات با همسایگان»^۱ در این راستا ترکیه تلاش می‌کند اختلافات سیاسی - فرهنگی خود را با همسایگان و بعضی از گروه‌های قومی در منطقه از جمله با کردها و نیز با ارمنستان حل و فصل کند. ترک‌ها به یک ضرب‌المثل ترکی استناد می‌کنند: «همسایه خوب از برادر به تو نزدیک‌تر است»؛ بنابراین ترک‌ها می‌خواهند با سیاست خارجی جدید به زدودن دهه‌ها بی‌اعتمادی با همسایگان پایان دهند (قهرمان‌پور: ۱۳۸۹).

۲. رضایت نسبی از این سیاست در غرب و شرق: عثمانی‌گرایی جدید، دیگر همان امپراتوری ترکی در خاورمیانه و بالکان نیست، بلکه با یک شیوه سکولاریزم میانه‌رو در داخل و یک دیپلماسی فعال در سیاست خارجی همراه است. در این رویکرد، شیوه رفتاری ترکیه بر مبنای قدرت هنجارهای سیاسی، اقتصادی،



دیپلماسی، فرهنگی و نفوذ در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی است.

۳. انعطاف‌پذیری برای سازگاری، از دیگر ویژگی‌های عثمانی‌گرایی جدید است. عثمانی‌گرایی جدید ترکیه را به‌عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای می‌بیند. این نگاه استراتژیک، بازتاب تجربه‌های تاریخی امپراتوری روم شرقی و عثمانی است. ترکیه سعی می‌کند در عرصه سیاست بین‌الملل جزمیت را کنار بگذارد و با انعطاف‌پذیری، خود را در معادلات بین‌المللی جای دهد.

۴. ویژگی دیگر عثمانی‌گرایی جدید، پذیرفتن اهمیت جهان اسلام به اندازه غرب است. کمالیسم مدعی است ترکیه دارای هویت غربی است تا شرقی و این هویت را در مقابل میراث و هویت اسلامی قرار می‌دهد (کاگاپاتای، ۱۳۸۹). انعطاف و عمل‌گرایی در ارتباط با شرق در خط‌مشی کمالیسم مفقود شده است؛ درحالی‌که عثمانی‌گرایی جدید آن را به‌عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک می‌پذیرد.

۵. توسعه روابط هماهنگ با قدرت‌های جهانی: ترکیه با پنج عضو دائم شورای امنیت روابطی متعادل برقرار کرده است. داوود اوغلو در جمع دیپلمات‌های مقیم ترکیه گفته است ترکیه باید تا سال ۲۰۲۳، یعنی صدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه، یکی از ده کشور توسعه‌یافته جهان باشد و برای تحقق این هدف به‌دنبال برقراری روابط متعادل با قدرت‌های جهانی و همسایگان است. او معتقد است سیاست خارجی امری پویا است، درحالی‌که جهت‌گیری ترکیه جدید ایستا بود و فاقد لحاظ کردن هویت تاریخی - ژئوپلیتیکی ترکیه است. او معتقد است به‌دلیل نبود درک درست از واقعیت‌های هویتی ترکیه، این کشور با همسایگان خود دچار مشکل شده است. این راهبرد ارمغانی برای ترکیه در پی نداشت، جز اینکه تمام انرژی ترکیه صرف مدیریت مشکلاتش با همسایگان شد (برزگر: ۱۳۹۰).

در پی اتخاذ رویکرد جدید در سیاست خارجی ترکیه بود که **ساموئل هانتینگتون**، اندیشمند امریکایی در کتاب «برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی»، از ترکیه به‌عنوان یکی از شش کشور بزرگ اسلامی که بالقوه و بالفعل توانایی رهبری جهان اسلام را دارد، نام برده است. در پرتو این رویکرد، کشور ترکیه در سال‌های اخیر تلاش کرده تا به‌عنوان یک کشور در مجموعه تمدن اسلامی و در عین حال مدرن و دموکراتیک، جایگاه رشد و توسعه خود را به ظرف تمدنی خود

منتقل کند و در میان کشورهای اسلامی به‌عنوان کشوری بزرگ و مدرن مطرح شود. این ایده از سوی اردوغان و تیم سیاسی او به‌طور جدی در ۹ سال گذشته مورد توجه قرار گرفته است و جلوه‌های بارز این تغییر رویکرد ترکیه را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

■ نگاه به شرق به‌جای نگاه صرف به غرب (بقیازایان و آرشاکیان، ۲۰۰۹: ۲)؛

■ تلاش برای حل معضل کردها (Kaliber & Tocci, 2010: 192-210)؛

مسعود ییلماز، نخست‌وزیر پیشین ترکیه از حزب مام میهن، گفته بود که راه ترکیه به اتحادیه اروپا از دیاربکر می‌گذرد. اما احزاب حاکم سابق به‌رغم پی بردن به اهمیت مسئله کردها در سیاست خارجی ترکیه، استراتژی درستی برای مدیریت آن نداشتند. حزب عدالت و توسعه هرچند تغییر ۱۸۰ درجه‌ای نسبت به کردها نداشته است، ولی سیاست‌های رفاهی این حزب در مناطق کردنشین و همچنین شناسایی برخی از حقوق کردها توانسته است بحران کردی را در سیاست داخلی ترکیه تا حد زیادی کاهش دهد. البته اردوغان و حزیش به‌خوبی آگاه هستند که احزاب سکولار و نظامیان از کارت کردها برای بقای سیاسی خود استفاده می‌کنند. او می‌خواهد این کارت را از آنها بگیرد.

■ تلاش برای ایجاد رابطه با ارمنستان (Meral & Paris, 2010: 1)؛

وزرای خارجه ترکیه و ارمنستان با امضای یادداشت تفاهم در نوامبر ۲۰۰۹ با میانجیگری امریکا، سوئیس، روسیه، و فرانسه به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک مبادرت کردند.

■ تقویت روابط با روسیه (Finn, 2010:4)؛

غیر از دیدوبازدیدهای مکرر مقامات مسکو آنکارا، حجم روابط ترکیه و روسیه بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار است و ترک‌ها با شریک کردن روسیه در پروژه‌های منطقه‌ای همانند ناباکو در صدد جذب روسیه هستند.

■ فعال شدن سیاست منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه (مرشدی، ۱۳۸۸: ۱)؛

■ احیای روابط با جهان عرب (Meral & Paris, 2010: 4)؛

■ میانجیگری در روند صلح اعراب و اسرائیل با داشتن سمپاتی به فلسطینیان؛

■ نزدیک‌تر شدن به ایران.



از نظر اردوغان، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورهای متضاد مانند ایران، اسرائیل، امریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به منزله قدرت نرم ترکیه محسوب می‌شود که کمتر کشوری چنین پتانسیلی را داراست. ترک‌ها معتقدند برای جبران تحقیر تاریخی از سوی اروپا، باید اروپا را به التماس کردن از ترکیه واداشت؛ زیرا ترکیه در یک منطقه حساس سیاسی و انرژی واقع شده است و این اروپاست که به ترکیه نیاز دارد. ترک‌ها بر این باورند که ترکیه دارای قدرت نرم برای مدیریت مسائل جهان اسلام است و غرب باید این امر را باور کند؛ زیرا ترکیه جزء ۵۰ کشور نخست جهان از نظر دارا بودن اکثریت مسلمان است و تنها کشوری است که عضو ناتو و در جریان مذاکره برای پیوستن به اتحادیه اروپاست. براساس این بینش است که اردوغان پیش از آنکه پیروزی حزب حاکم عدالت و توسعه در انتخابات ژوئن ۲۰۱۱ اعلام رسمی شود، همراه با همسرش، امینه بر ایوانچه دفتر مرکزی حزبش در مرکز شهر آنکارا ظاهر شد و خطاب به جمع کثیر هوادارانش که به شادی و پایکوبی مشغول بودند، گفت: «امروز از استانبول تا بوسنی پیروز شده، از ازمیر تا بیروت، از آنکارا تا دمشق، از دیاربکر تا رام‌الله، نابلس، جنین، کرانه باختری، قدس و غزه پیروز شده، امروز از ترکیه تا خاورمیانه، قفقاز، بالکان و اروپا پیروز شده است» (فرهمند، ۱۳۹۰).

نقشه جغرافیایی که اردوغان در نطقش ترسیم کرد، سرزمین‌هایی را دربر می‌گیرد که زمانی قلمرو تحت حاکمیت ترکان عثمانی را تشکیل می‌دادند.

دولت اردوغان به‌خوبی می‌داند که برای عملیاتی کردن اهداف کشورش، باید نظر مثبت افکار عمومی در جهان عرب را جلب کند و یکی از راه‌های این جلب نظر، جانبداری از حقوق فلسطینی‌هاست. افکار عمومی عرب امروز به‌وضوح شاهدند که با وجود سکون و سستی دولت‌های محافظه‌کار و غیرممتخبشان، این دولت مدرن و درعین‌حال اسلام‌گرای ترکیه است که در صف نخست مقابله با اسرائیل ایستاده است و در ظاهر هزینه‌های این اقدام خود را نیز می‌پردازد. بنابراین به‌رغم اینکه عرب‌ها به‌طور تاریخی از ترکان عثمانی و سلطه چندقرنی آنها بر سرزمین‌های عربی ذهنیت تاریخی مثبتی ندارند، اما اکنون، این قدرت آنکاراست که می‌تواند همچون سدی در برابر توسعه‌طلبی و زیاده‌خواهی حاکمان تل‌آویو بایستد

و از حقوق اعراب و فلسطینیان دفاع کند (آقازاده، ۱۳۸۹).

تفاوت جایگاه و رویکرد ترکیه در مقایسه با کشورهای رقیب در این است که قدرت ترکیه و راهکارهای او برای حل بحران خاورمیانه جنبه پراگماتیستی دارد، درحالی که رویکرد ارائه شده از سوی برخی دیگر از کشورهای اسلامی بسیار آرمان‌گرایانه است. ترک‌ها با غلبه رویکرد واقع‌گرایی خود بر رویکردهای احساسی و ایدئولوژیک، بیشتر مایلند از طریق ارائه راهکارهای سازنده در عین برخورداری از مؤلفه‌های قدرت، حمایت جامعه جهانی و افکار عمومی و دولت‌های جهان اسلام را با خود همراه سازند. این مهم‌ترین وجه ممیزه‌ای است که امروز دولتمردان آنکارا را امیدوار به کسب جایگاه رهبری جهان اسلام کرده است، موقعیتی که به واسطه قرابت‌های تاریخی و جغرافیایی با غرب بهترین گزینه و کانال برای ارتباط غرب و اسلام نیز هست. از نظر رهبران حزب عدالت و توسعه، ترک‌ها پیشتر استراتژی داشتند، ولی ایدئولوژی نداشتند؛ ترکیه اکنون با استفاده از پتانسیل‌های هویت تاریخی خود به دنبال دمیدن روح (ایدئولوژی) به استراتژی ملی و سیاست خارجی خود است.

تفاوت نوع‌ثمانی‌گرایی با عثمانی‌گرایی

نوع‌ثمانی‌گرایی با عثمانی‌گرایی تفاوت دارد و آنچه در سیاست‌های حزب عدالت و توسعه دیده می‌شود نوع‌ثمانی‌گرایی است و نه عثمانی‌گرایی. به بیانی روشن‌تر، سیاست دولت اردوغان را نمی‌توان به صرف احیای امپراتوری عثمانی به معنای احیای خلیفه‌گری یا عناصر اسلامی آن تعبیر کرد، بلکه علقه سیاستمداران حزب عدالت و توسعه به دوران امپراتوری عثمانی را باید متناسب با متن جهانی تعریف کرد که خود را در آن می‌بینند. در این متن، ارتباط با غرب در قالب عضویت در اتحادیه اروپا و شریک استراتژیک غرب بودن عناصر اساسی را تشکیل می‌دهند. شاید در اینجا سخن **گراهام فولر**^۱ از مقامات سیا به اندازه کافی گویا باشد که گفته بود: «ترکیه دیگر هم‌پیمان صادق غرب نیست. این کشور هرچند ممکن است به نسخه‌های غرب عمل نکند اما آنچه انجام می‌دهد الزاماً در ضدیت با غرب هم

نیست و در بسیاری مواقع برای کشورهای غربی مفید است.» (به نقل از: افخمی، ۱۳۸۹) شاید انتظار افرادی مانند فولر از آنکارا همانند دوره جنگ سرد باشد، ولی ترکیه در نقش یک الگوی منطقه‌ای از ترکیب اسلام و سکولاریسم و به‌عنوان یک کشور دموکراتیک مسلمان، به پیشبرد سیاست‌های امریکا در منطقه خاورمیانه به‌صورت غیرمستقیم یاری می‌رساند. در این مورد، **عبدالله گل** می‌گوید: «از آنجا که ترکیه یک کشور با پایه و اساس جمهوری است، به الگویی برای تمام جهان با داشتن یک هویت دموکراتیک و سکولار و پیشینه فرهنگی غنی تبدیل شده است. من معتقدم ما باید با آگاهی از این مسئولیت در عرصه سیاست خارجی خود عمل کنیم. هدف اصلی ما این است که به ثبات، امنیت و رفاه برای حفظ منافع ملی‌مان دست یابیم و به‌منظور رسیدن به این هدف، باید در حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها با طرح‌های فعال، حضور سیاسی مؤثری داشته باشیم و موقعیت ژئوپلیتیک ما کمک قابل توجهی به ما خواهد کرد. من می‌خواهم بر ارزش‌های دموکراتیک، حاکمیت قانون، احترام به حقوق بشر، شفافیت، مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های بین‌المللی و دوجانبه، برابری زنان و مردان، عملکرد اقتصاد بازار آزاد تأکید کنم. نکته قابل توجه و ارزش‌های مبنایی ترکیه است که ما برای توسعه در سراسر جهان تلاش خواهیم کرد و البته سطح توسعه، موقعیت جغرافیایی و پیشینه‌های تاریخی ما در پیمودن این راه به یاری ما خواهد آمد» (Gul, 2009).

براساس این منطق است که می‌بینیم طی ۹۳ سفر خارجی که وزیر امور خارجه این کشور در سال ۲۰۰۹ داشته است؛ ۴۷ سفر به اروپا، ۱۵ سفر به آسیا، ۲۲ سفر به خاورمیانه و ۹ سفر به ایالات متحده بوده است و شاید این شاخصی باشد که نشان می‌دهد ترکیه به‌دنبال یک سیاست چندجانبه در سال‌های اخیر بوده است و علاوه‌بر نگاه به اروپا و امریکا، نگاهی جدی هم به آسیا و خاورمیانه داشته است (Sarac, 2010)؛ بنابراین، نوع‌ثمنی‌گرایی را می‌توان به‌طور مختصر تألیفی از احیای نفوذ و اقتدار امپراتوری عثمانی با معیارهای غربی دانست که بنابر این نگاه، الگوی خاصی از اسلام‌گرایی را در دولت اردوغان به‌وجود آورده است. این الگو آن چیزی نیست که در ایران به‌نام مردم‌سالاری دینی شناخته می‌شود، بلکه تلقی دیگری از اسلام‌گرایی در ساختار سیاسی است. در واقع، نوع‌ثمنی‌گرایی الگوی دیگری را به

جهان اسلام معرفی می‌کند که می‌توان آن را آمیزش بین اسلام و سکولاریسم دانست. اسلام در ترکیه عمدتاً ماهیت عرفانی، اخلاق‌گرای، معنویت‌گرای و فاصله‌گیری از خشونت و افراطی‌گرایی خود را متجلی کرده است. علاوه بر این، تنش در روابط ترکیه و اسرائیل به معنای نفی مشروعیت اسرائیل نیست، بلکه به معنای اعتراض به عملکرد اسرائیل و درخواست تصحیح آن است. شاید اگر در این تقابل بنیادین کمی تأمل شود، تحرکات دولتمردان ترکیه در سیاست‌های داخلی و خارجی و همچنین حمایت‌های دول غربی و به‌ویژه آمریکا از این تحرکات بیشتر معنا پیدا کند (صالحی: ۱۳۸۹).

روابط آنکارا با ایران و سوریه

نمود عثمانی‌گرایی جدید را می‌توان در ایجاد ارتباط بین هویت اسلامی، اوراسیایی و اروپایی ترکیه و ترغیب این کشور برای بهبود روابط با تمام همسایگان و از آن‌جمله با کشورهای خاورمیانه جستجو کرد. با سقوط رژیم عراق، زمینه‌های مساعدی برای ناسیونالیسم کردی در عراق فراهم شد، ترکیه فعالیت‌های بیشتری را برای یافتن متحدان ضدکردی در ایران و سوریه پی گرفت و روابط آنکارا با تهران و دمشق به صورت قابل توجهی رو به بهبود نهاد. از زمان سقوط رژیم عراق، این سه کشور در پی منافع مشترک شامل مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از ظهور دولت کردی مستقل در مرزهایشان با هم متحد شدند.

ترکیه و ایران از زمان امپراتوری عثمانی رقبای منطقه‌ای و مذهبی بوده‌اند (بقیازایان و آرشاکیان، ۲۰۰۹: ۲)؛ عثمانی مدافع اسلام سنی در مقابل ایرانیان شیعی بود و به‌ویژه پس از پیروزی بر مکه و مدینه در قرن شانزدهم، سلطان عثمانی که عنوان خلیفه را برای خود برگزید با شیعیان اختلافات دینی پیدا کرد و جنگ‌های بسیاری در قرن شانزدهم بین عثمانی و دولت صفویه در ایران رخ داده است. پس از آن جنگ‌ها یک دوره روابط صلح‌آمیز بین دو کشور وجود داشته است. ترکیه دوره آتاتورک به یک مدل غرب‌گرا و سکولار برای سلسله پهلوی در ایران در طول نیمه نخست قرن بیستم تبدیل شد و شاید بتوان برخی از اصلاحات انجام‌شده در دوره پهلوی را ملهم از تحولات سیاسی ترکیه دانست (Kinnender, 2010: 7). در مقابل وجود تصویر منفی آنکارا

در جهان عرب، تصویر ترکیه سکولار در ایران پهلوی در طول دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بسیار مثبت بود. این دو کشور به‌عنوان دو هم‌پیمان ایالات متحده، رقابت‌های امپراتوری و مذهبی را در طول جنگ سرد کنار گذاشتند.

این هماهنگی و سازگاری به‌دست‌آمده ناگهان با انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران تضعیف شد، هنگامی که امام خمینی (ره) بر صدور انقلاب اسلامی تأکید کرد، ترکیه با داشتن یک رژیم سکولار و غرب‌گرا خود را هدف طبیعی این تلاش‌ها احساس کرد؛ در نتیجه، طی سال‌های دهه ۱۹۸۰، رقابت تاریخی بین ایران و ترکیه و این بار در قالب ترکیه سکولار و ایران اسلامی دوباره زنده شد (Aral, 2001: 108)؛ باین حال، سیاست آنکارا بر مبنای اصول سستی کمالیسم، عدم تعهد و عدم دخالت در خاورمیانه بود که نمود آن را در زمان جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ شاهد هستیم. در میانه دهه ۱۹۹۰، روابط سیاسی بین آنکارا و تهران رو به بهبود نهاد (Kinnender, 2010: 8). این روابط روبه‌گسترش بین ایران و ترکیه با ورود حزب رفاه به قدرت، اوج گرفت. دولت **اربکان** قراردادی به مبلغ ۲۳ میلیارد دلار برای تحویل گاز طبیعی ایران به ترکیه امضا کرد. در همین زمان، ارتش ترکیه و سکولاریست‌ها همچنان نگران گسترش روابط ترکیه با جهان اسلام توسط اربکان بودند. با تلاش اربکان، روابط اقتصادی و سیاسی ترکیه با جهان اسلام رشد بی‌سابقه‌ای یافت، به‌ویژه زمانی که دولت وی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأسیس سازمان دی-۸ که یک تفسیر از G-8 در بین کشورهای اسلامی است، با همراهی و حضور کشورهای بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، نیجریه و پاکستان را به‌عهده گرفت (Aral, 2005).

دو کشور همکاری‌های بیشتری را پس از سقوط رژیم صدام و پس از شکل‌گیری پژاک^۱ که یک سازمان تروریستی و آلت دست اسرائیل است، آغاز کردند. در سال ۲۰۰۴، آنکارا و تهران یک موافقت‌نامه همکاری امنیتی امضا کردند که پ.ک.ک را به‌عنوان یک گروه تروریستی معرفی کرد (قهرمانی، ۱۳۸۳: ۳۹). روابط ترکیه و ایران حتی در زمان استقرار دولت‌های سکولار در ترکیه نیز همچنان وجود داشت (آراس و پولات، ۱۳۸۶: ۶۴). حتی زمانی که رئیس‌جمهور

امریکا، جرج بوش، ایران را «محور شرارت» خواند، رئیس‌جمهور ترکیه، احمد نجات سنر، در رأس یک هیئت بلندپایه از ایران دیدار کرد و این دیدار در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی اتفاق افتاد (Rubin, 2004: 2). در حاشیه این دیدار، خاتمی رسماً اعلام کرد که تهران از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به نشانه مخالفت با نظریه «برخورد تمدن‌ها» استقبال می‌کند.

بحث انرژی همواره از مهم‌ترین دلایل گرمی روابط ایران - ترکیه بوده است (Chappell, 2010: 8). ایران دومین فروشنده بزرگ گاز به ترکیه (پس از روسیه) است (بقیازازیان و آرشاکیان، ۲۰۰۹: ۲). در فوریه ۲۰۰۷، در زمان نخست‌وزیری اردوغان، ترکیه و ایران دو قرارداد جدید انتقال انرژی را با یکدیگر منعقد کردند (Duman, 2010: 5). از سال ۲۰۰۲، روابط اقتصادی ترکیه و ایران گسترش چشمگیری داشته است. رقم مناسبات ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ هر سال یک میلیارد دلار افزایش یافته است و در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ میلیارد رسیده است (برای اطلاع بیشتر به جدول زیر نگاه کنید). این مبادلات در سال ۲۰۰۹ به‌دنبال کاهش قیمت انرژی به ۵/۵ میلیارد دلار رسید و قرار است در افق ده‌ساله به ۳۰ میلیارد دلار برسد (Papkin, 2010).

جدول ۱. روابط تجاری ایران - ترکیه (۲۰۰۰-۲۰۰۸)

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
روابط تجاری (بر حسب میلیارد دلار)	۱/۰۵	۴/۳۳	۶/۴۳	۷/۷۶	۱۰/۴۳

Source: International Monetary Fund Directory of Trade Statistics (DOTS)

این گسترش مبادلات در پی سیاست حزب عدالت و توسعه برای افزایش روابط اقتصادی با کشورهای اسلامی بود. علاوه بر این، نیاز فزاینده ترکیه به انرژی، باعث گسترش بیش از پیش روابط دو کشور شده است. در حال حاضر حدود ۳۰ درصد انرژی مورد نیاز ترکیه از طریق ایران تأمین می‌شود (Vira, 2010). در تابستان ۲۰۰۷، یکی از مقامات اقتصادی ترکیه اعلام کرد ترکیه در حال امضای توافق‌نامه‌های تجاری با ۱۸ کشور اسلامی از جمله ایران و پاکستان است. ترکیه همچنین دارای توافقات تعرفه ترجیحی و ایجاد منطقه آزاد با ایران و سایر اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو شامل ترکیه، ایران، پاکستان، افغانستان و شش کشور آسیای مرکزی است (Papkin, 2010). براساس اظهارات مقامات ترکیه «رابطه ایران و

ترکیه سیاست ریشه‌ای و اصلی جمهوری ترکیه است» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹).

در ورود ترکیه به موضوع هسته‌ای ایران فارغ از ملاحظات خاص این کشور در ارتباط با ایفای نقش میانجی و ارتقای موقعیت خویش در منطقه و در سطح بین‌الملل، تمایل ایران نیز به اعطای این نقش به ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است (Zarif, 2010). اواما نیز اعلام کرد که ترکیه همچنین می‌تواند نقشی اساسی در تلاش‌های تازه ایالات متحده، برای برقراری ارتباط با ایران ایفا کند (مککینی، ۲۰۰۹: ۲). اکنون موقعیت ویژه و استثنایی برای دو کشور فراهم شده است، موقعیتی که از عهد صفوی تا کنون بی‌سابقه بوده است (خرازی، ۱۳۸۹: ۳). ترک‌ها به هیچ‌وجه اعتقادی به تحریم‌ها و به‌کارگیری ابزار نظامی علیه ایران ندارند. برای ترک‌ها قابل هضم نیست که غرب نسبت به ۳۰۰ کلاهک هسته‌ای اسرائیل واکنشی نشان نمی‌دهد ولی نسبت به استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای ایران چنین واکنش تندی نشان می‌دهد. از سوی دیگر، ترک‌ها می‌ترسند که با هم‌نوا شدن با غرب علیه ایران، در آینده خود نیز دچار مشکل ایران شوند.

روابط ترکیه و سوریه نیز در دهه اخیر گسترش قابل توجهی یافته است. تصمیم **حافظ اسد** برای بیرون کردن **عبدالله اوجالان** راهی را برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی بین آنکارا و دمشق گشود (Aras, 2004). در اواخر دسامبر ۲۰۰۴، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه دیداری رسمی از سوریه داشت و چشم‌انداز آینده روابط دوجانبه میان این دو کشور را با نگرشی خوش‌بینانه مورد ارزیابی قرار داد (بقیازازیان و آرشاکیان، ۲۰۰۹: ۲). این دیدار پس از آن بود که **بشار اسد**، رئیس‌جمهور سوریه در ژانویه ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرده بود (Aras & Polat, 2010: 16). این نخستین دیداری بود که توسط رئیس‌جمهور سوریه از ترکیه از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ اتفاق افتاد. اسد، ملاقات رسمی خود از ترکیه را چنین توصیف کرد: «ما از یک فضای بی‌اعتمادی در حال گذار به دورانی از اعتماد هستیم.» این دیدوبازدیدها در سطح سران و مقامات عالی‌رتبه ادامه پیدا کرد. روابط سوریه و ترکیه به‌ویژه پس از سفر اردوغان به دمشق در دسامبر سال ۲۰۰۹ برای شرکت در شورای همکاری‌های استراتژیک، گسترش بیشتری یافت. نخست‌وزیر ترکیه در دیدار با بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه گفت: «سوریه برای ما

نه تنها بازاری با بیست میلیون جمعیت محسوب می‌شود، بلکه دروازه‌ای است به سوی خاورمیانه با جمعیت ۳۰ میلیون نفر» (بقیازازیان و آرشاکیان، ۲۰۰۹).

در رویکرد جدید منطقه‌ای سیاست‌گذاران ترکیه، سوریه به‌عنوان یک متحد و دوست بالقوه مطرح است (Aras & Polat, 2010: 18). سوریه نیز مانند ایران، از ترکیه به‌منظور شکستن انزوا و تحریم‌های واشینگتن نسبت به سوریه که در رابطه با ترور نخست‌وزیر لبنان، رفیق حریری، علیه این کشور تشدید شده بود، بهره گرفته است.

مجموع ارزش تجارت ترکیه با سوریه از ۷۹۷ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۲/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت. این روند با اندکی نوسان تا ۲۰۱۰ ادامه داشته است. امضای موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری در سال ۲۰۰۷ بین سوریه و ترکیه باعث افزایش میزان تجارت دو کشور شده است. اراده قاطعی در میان دو طرف برای فائق آمدن بر موانع، در راستای بهبود تجارت و روابط تجاری وجود دارد. بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ میلادی مقامات سوری ده‌ها طرح سرمایه‌گذاری ترکیه در کشورشان را تصویب کردند (Taspinar, 2008: 24). بیشتر این طرح‌ها و روابط تجاری پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه اتفاق افتاده است. آنکارا و دمشق در سال ۲۰۰۶ یک منطقه آزاد تجاری تأسیس کردند و با این کار سرمایه‌گذاری ترکیه در سوریه افزایش یافت. این افزایش روابط برای ترکیه که خواستار افزایش نقش در منطقه است، دارای جذابیت فراوانی است.

در ماه‌های میانی ۲۰۱۱، طوفان تحولات منطقه‌ای موسوم به «بهار عربی» به سوریه نیز رسیده است. هرچند رهبران ترکیه از بشار اسد خواستند که باب اصلاحات را بگشاید و حتی مرز خود را برای تعدادی از پناهجویان سوری باز کردند؛ ولی اساساً با این قضیه بسیار محتاطانه برخورد کردند و قرائن نشان می‌دهد که آنها اصلاحات سیاسی در سوریه را توسط بشار اسد - نه با حذف او - ترجیح می‌دهند. ترک‌ها از یک سوریه بی‌ثبات به شدت دچار واهمه هستند (به‌ویژه ناآرامی منطقه کردنشین درست در نزدیکی قسمت جنوبی ترکیه که می‌تواند ناآرامی‌هایی را به ترکیه منتقل کند). همچنین این موضوع برای استراتژی آنکارا در خاورمیانه که داشتن روابط گرم با دمشق در مرکز آن قرار دارد، شکست بزرگی محسوب می‌شود. با توجه به این منافع، بعید است که آنکارا، موضعی که در قبال دیگر کشورهای

عربی بحران زده اتخاذ کرده در قبال سوریه و بشار اسد هم داشته باشد. ترکیه هنوز روند حمایت‌های تلویحی از اسد را ادامه می‌دهد (Cook, 2011).

روابط ترکیه با جهان عرب

مهم‌ترین ویژگی تغییر رفتار سیاسی ترکیه نسبت به اعراب، تغییر موضع آنکارا در مورد فلسطین است. این سخن اردوغان در نشست کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۱۱، به خوبی این تغییر سیاست را نشان می‌دهد:

«برادران و خواهران عرب! ما با یکدیگر برادر و خواهر هستیم... صرف‌نظر از آنچه برخی می‌گویند، رابطه برادرانه و همکاری با برادران عرب و تلاش برای توسعه کشورهایمان را ادامه خواهیم داد... ما با داشتن سوابق دوستی و برادری طی قرن‌ها می‌توانیم در راستای تشکیل اتحادیه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی گام برداریم. ما اعضای یک تمدن مشترک و واحد هستیم و با به اشتراک گذاشتن یک تاریخ مشترک می‌توانیم در کنار هم کارهای مشترک انجام دهیم... از طریق همبستگی می‌توانیم مشکل فلسطین را حل کنیم و برای پایان دادن به دردهای ملت‌ها در عراق و افغانستان تلاش کنیم و لازم نیست از دیگران درخواست کمک کنیم. با این حال، در درجه نخست، باید برای ایجاد یک اتحادیه بین خودمان گام برداریم. ما می‌توانیم در راه تقویت و ثبات در لبنان و جلوگیری از اقدامات تروریستی در مصر تلاش کنیم. می‌توانیم از طریق همبستگی، بر فقر در منطقه غلبه کنیم...» (Kieffer, 2011).

در سال‌های اخیر، آنکارا دیپلماسی فعالی را در موضوع فلسطین بر عهده داشته است. از سال ۲۰۰۲ که اردوغان به قدرت رسید، اسرائیل با شرایط بحرانی در منطقه غزه روبه‌رو بوده است. این رژیم به دنبال ترور مقامات رسمی حماس، از سوی ترکیه به عنوان «دولت ترور» قلمداد شد. چند هفته پس از انتخابات در سرزمین فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶، حزب عدالت و توسعه میزبان هیئت بلندپایه حماس به رهبری **خالد مشعل** در آنکارا بود. دولت اردوغان امیدوار بود که این دیدار توانایی ترکیه را در ایفای یک نقش دیپلماتیک مهم در خاورمیانه افزایش دهد؛ ولی مشورت نکردن آنکارا با واشینگتن و تل‌آویو باعث رنجش آنها شد، زیرا

خواستار انزوای حماس تا زمانی بودند که حق وجود اسرائیل را بپذیرد. استدلال ترکیه این بود که با این اقدام، حماس را به فرایند صلح با حفظ موجودیت اسرائیل برمی گرداند (Taspinar, 2088: 25).

البته مناسبات ترکیه و اسرائیل دارای گذشته‌ای است که پایه و شالوده آن در دوره حاکمیت لائیک‌ها و نظامیان بنا نهاده شده است (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۱۷). برای غرب به‌ویژه امریکا و اسرائیل رابطه با ترکیه به‌عنوان یکی از ممالک مهم اسلامی دارای اهمیت بوده است و ترکیه اسلام‌گرا وارث یک سلسله توافقات و تعهداتی است که خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. نکته مهم این است که بخش عمده‌ای از این مناسبات، همکاری‌های اطلاعاتی و دفاعی است و ارتش ترکیه مسئولیت این جنس مناسبات را به‌عهده دارد (خطیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۱۷). نقطه عطف این همکاری‌های متقابل در سال ۱۹۹۶ بود که آنکارا و تل‌آویو پیمان همکاری اطلاعاتی و نظامی امضا کردند. البته، روابط ترکیه و اسرائیل برای طرفین دارای جذابیت‌هایی بوده است. ترکیه با همراهی لابی یهود در غرب اقدام به دریافت گسترده کمک‌های خارجی کرده است و حکومت‌های ترکیه روابط خود با اسرائیل را همواره در سطح مطلوبی حفظ کرده‌اند و از سوی دیگر نیز اسرائیل نیازمند ارتباط با یک کشور مسلمان، قدرتمند و دارای وجهه قابل قبول در منطقه است و سعی می‌کند مناسبات را تا حد امکان به روال گذشته بازگرداند. همچنین ترکیه و اسرائیل دارای روابط تجاری - نظامی گسترده هستند؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۷ کشور ترکیه هشتمین شریک بزرگ تجاری رژیم صهیونیستی شناخته شد. همچنین ترکیه طی جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ بین اسرائیل و لبنان، با فرستادن یک گروه برای شرکت در نیروهای حافظ صلح سازمان ملل نقش فعالی را در منطقه ایفا کرد. در سال ۲۰۰۷ نیز حزب عدالت و توسعه نقش مؤثری برای نشان دادن محمود عباس و شیمون پرز بر سر میز مذاکره در آنکارا برعهده داشت. رهبران هر دو طرف از ترکیه برای کمک به صلح و پیشرفت‌های اقتصادی در خاورمیانه تشکر کردند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹).

اما در پی درگیری‌های اسرائیل و دولت مردمی حماس در غزه در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ و با بروز راهپیمایی‌های گسترده در شهرهای مختلف ترکیه علیه اقدامات رژیم صهیونیستی، روابط بین آنکارا - تل‌آویو به‌طور روزافزونی رو به وخامت گرایید

(عابدینی، ۱۳۸۷: ۲). موضع اردوغان در اثنای جنگ غزه که در آن وی فاجعه غزه را به حوادث کربلا تشبیه کرد و نیز اقدام وی در اجلاس بین‌المللی داووس در سال ۲۰۱۰ که طی آن، رئیس‌جمهور اسرائیل را آدم‌کش نامید، در واقع نمایش باورهای واقعی این دولت در مورد رژیم صهیونیستی است که اکنون مجال بروز پیدا کرده است. تأثیری که اعتراض اردوغان در اجلاس داووس به شیمون پرز گذاشت و یا اقدامی که این کشور در انتقال درد و مظلوم مردم فلسطین در محافل بین‌المللی انجام داد، از اجلاس‌های سران عرب نیز بیشتر بوده است. در پی حمله نظامیان اسرائیلی به کاروان آزادی و کشته شدن تعدادی از اتباع ترکیه در سال ۲۰۱۱ روابط آنکارا - تل‌آویو دچار تنش بیشتری شده است. آنکارا همچنین اعلام کرد که برای تنبیه اسرائیل، تحریم‌هایی را علیه اسرائیل وضع خواهد کرد. با این وصف، قطع روابط دوجانبه، کاهش روابط سیاسی از حالت سفیر دائم، وارد کردن اسم اسرائیل به فهرست قرمز که از شرکت آن در مناقصه‌های ترکیه جلوگیری می‌کند و کاهش همکاری‌ها در زمینه نظامی، از جمله موارد این تحریم خواهد بود (صدای روسیه، ۲۰۱۰). البته باید توجه داشت که به‌رغم تمامی انتقادات و اعتراضات، هیچ‌یک از طرفین تصمیم به قطع روابط و یا مجازات همدیگر نداشته و با وجود برخی مشکلات، روابط دیپلماتیک خود را حفظ کرده‌اند و حتی امریکا و اسرائیل در خلال تنش ایجادشده، خونسردانه عمل کرده و از دور کردن ترکیه پرهیز کرده‌اند.

روابط سیاسی و اقتصادی آنکارا با عربستان سعودی هیچ‌گاه وضعیت بحرانی نداشته است و همواره دو کشور اعتدال را در روابط خود مد نظر داشته‌اند. در دهه ۱۹۸۰، تورگوت اوزال، پنج‌بار از عربستان بازدید کرد، و این امر حکایت از اهمیت عربستان در معادلات سیاست خارجی ترکیه دارد. پس از فوت اوزال، روابط دو کشور رشد چندانی نداشته؛ ولی اشغال عراق و وقوع تحولات جدید در منطقه سبب شد تا مواضع و دیدگاه‌های مشترکی بین دو کشور رشد یابد. حاکمیت حزب عدالت و توسعه به این همگرایی کمک کرد، به‌گونه‌ای که پس از ۴۰ سال پادشاه عربستان در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به ترکیه سفر کرد و به روابط دو کشور جان تازه‌ای دمید. در همین مدت ترکیه نیز در سطح نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری دیدارهایی از عربستان سعودی به‌عمل آورد. سفر ژانویه ۲۰۱۱ نخست‌وزیر ترکیه در رأس یک هیئت عالی‌رتبه، به پیشبرد روابط دو کشور اوج داد. روابط دو کشور

به‌ویژه در زمینه‌های انرژی و بازرگانی رونق بی‌سابقه‌ای گرفت. طی ۶ سال اخیر حجم مبادلات بازرگانی بین دو کشور از ۳ میلیارد دلار به ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به‌طور متوسط افزایش یافته است. طی سفر اخیر اردوغان در سال ۲۰۱۱ اعلام شد که هدف افزایش حجم مبادلات بازرگانی از ۴/۵ میلیارد دلار ابتدا به ۱۰ میلیارد دلار و سپس به ۲۰ میلیارد دلار دنبال می‌شود (سایت وزارت خارجه ترکیه، ۲۰۱۱). تعداد قابل توجهی از کارگران ترکیه برای کار به عربستان سفر کرده‌اند و بازرگانان ترکیه قراردادهای کلانی با این کشور دارند. باید توجه داشت ترکیه و عربستان سعودی منافع مشترکی در منطقه دارند. در زمینه سیاست خارجی نیز می‌توان گفت بر میزان درک مشترک از مسائل، روزبه‌روز افزوده می‌شود و دو کشور به نیاز متقابل در مورد مدیریت مسائل سیاسی در خاورمیانه، به‌ویژه در عراق، لبنان و فلسطین به‌خوبی آگاهند و با یکدیگر همکاری می‌کنند (Taspinar, 2008: 25).

به‌دلیل الزامات ژئوپلیتیک، تحولات عراق همیشه یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی ترکیه بوده است. نگرش ترکیه به عراق پس از صدام، تحت تأثیر مواردی چون سیستم جدید سیاسی حاکم بر عراق، روابط دوجانبه و ادراکات منطقه‌ای شکل گرفته است. ترکیه به‌شدت نسبت به موضوعات مهمی چون ثبات عراق و تمامیت ارضی این کشور، پیگیری راه‌حلی مبنی بر تفاهم و توافق در کرکوک (به دلیل وجود اقلیت ترکمن در آنجا)، خاتمه یافتن حضور و موجودیت پ.ک.ک. در عراق، انتقال منابع انرژی عراق به بازارهای بین‌المللی و درنهایت تأمین امنیت انتقال سوخت، حساس بوده است. از سال ۲۰۰۷ به‌بعد با افزایش نفوذ سیاسی ترکیه در عراق ملاقات بین مقامات سیاسی طرفین برای توسعه روابط گسترش یافته است. به‌موازات ایفای نقش تعادلی از سوی ترکیه، مقامات مختلف عراقی نیز دیدارهایی از ترکیه داشته‌اند. در این چهارچوب از سال ۲۰۰۷ به‌بعد رشد تدریجی روابط دو کشور آغاز شده است. به‌دنبال امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری بین نخست‌وزیرهای دو کشور در سفر اوت ۲۰۰۷ **نوری المالکی** به ترکیه، **جلال طالبانی** رئیس‌جمهور عراق نیز در مارس ۲۰۰۸ دیداری از ترکیه داشته و برای نخستین‌بار سخن از ایجاد «شورای عالی همکاری‌های استراتژیک» بین دو کشور مطرح شد. در پی این مقدمات و در دیدار جولای ۲۰۰۸ اردوغان از عراق و

مذاکرات وی با نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، قرارداد راه‌اندازی «شورای عالی همکاری‌های استراتژیک» به امضا رسید (سایت وزارت امور خارجه ترکیه، ۲۰۱۱). در کنار امضای این قرارداد، همکاری در زمینه موضوعات متنوع اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، انرژی، مسائل مربوط به آب و فرهنگ نیز مطرح و هدف‌گذاری شد. دیدار مارس ۲۰۰۹ **عبدالله گل**، رئیس‌جمهور ترکیه از عراق، فصل جدیدی در روابط بین دو کشور گشود. عبدالله گل پس از ۳۳ سال به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور ترک از عراق دیدن کرد. با سفر اکتبر ۲۰۰۹ اردوغان به عراق، مقدمات امضای ۴۸ توافقنامه فراهم شد که موجب گسترش بیش‌ازپیش روابط شد؛ این توافقات از سیاست تا امنیت و از تجارت تا همکاری‌های فرهنگی را شامل می‌شد. در ادامه سفرها و در اکتبر ۲۰۰۹، احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در سفر به عراق، بازدیدهایی از شهرهای بغداد، موصل، بصره و اربیل داشت. حضور داوود اوغلو در اربیل بعد جدیدی در روابط دو کشور ایجاد کرد و وی به‌عنوان نخستین مقام ترک که از منطقه تحت حاکمیت اکراد دیدن می‌کرد، نام خود را ثبت کرد. حجم ۹۴۱ میلیون دلاری تجارت بین ترکیه و عراق در سال ۲۰۰۳ در سال ۲۰۱۰ به حدود ۷ میلیارد و ۳۹۸ میلیون دلار رسیده بود (Yinanç: 2011).

در مارس ۲۰۱۱ نخست‌وزیر اردوغان پس از حدود یک‌ونیم سال بار دیگر به عراق سفر کرد. همچنین، اردوغان به‌عنوان نخستین مقام دولتی سنی از زیارتگاه شیعیان دیدن کرد. اردوغان و هیئت همراه وی بارگاه امام هفتم امام موسی کاظم (ع) و امام نهم، امام جواد (ع) را در کاظمین زیارت کرده و سپس تربت ابوحنیفه، مؤسس مذهب حنفی اهل تسنن را زیارت کرد. اردوغان که بارگاه حضرت علی (ع) در نجف را نیز زیارت کرد در آنجا با **آیت‌الله علی سیستانی** نیز ملاقات کرد. اردوغان همچنین، نخستین نخست‌وزیر ترک و نخستین مقام سیاسی بود که به اربیل سفر کرد. ترکیه نسبت به سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در کردستان عراق اعتماد ندارد، از این رو به‌طور مستقیم وارد مذاکره با کردها شده است (Taqrib News Agency: 2011).

پیوندهای ترکیه با مصر نیز با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بهبود یافته است. در طول دیداری که **حسنی مبارک**، رئیس‌جمهور مصر در مارس ۲۰۰۷ از آنکارا انجام داد، رهبران دو کشور تصمیم خود را مبنی بر گسترش همکاری‌های

استراتژیک در زمینه انرژی و امنیت منطقه‌ای اعلام کردند (Taspinar, 2008: 26). در پی امضای قرارداد تجارت آزاد بین ترکیه و مصر در سال ۲۰۰۵، حجم مبادلات تجاری دو کشور از حدود یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ و بیش از ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است (سایت وزارت امور خارجه ترکیه، ۲۰۱۱). مصر و ترکیه دارای موقعیت‌های استراتژیک مشابهی در منطقه هستند. هر دو از هم‌پیمانان ایالات متحده و غرب هستند و هر دو روابط دیپلماتیک با اسرائیل دارند. غرب و برخی از کشورهای عربی مایلند که آنکارا در کنار کشورهایی چون مصر نقش موازنه‌کننده در برابر ایران داشته باشد. همچنین غرب مایل است که ترکیه و مصر به‌طور مشترک جان تازه‌ای به روند صلح خاورمیانه بدمند. زمانی که در دهه ۱۹۹۰، رهبر حزب رفاه، در دوره نخست‌وزیری اربکان گروه دی-۸ را در بین کشورهای اسلامی تأسیس کرد، مصر نیز به‌عنوان یک کشور عربی در این گروه حاضر شد. در سال ۱۹۹۶ میلادی، ترکیه گفت‌وگوهای دوجانبه‌ای را با مصر در مورد انتقال گاز طبیعی به ترکیه آغاز کرد. البته باید توجه داشت در کنار منافع مشترک، قاهره چندان تمایلی به دخالت‌های انحصاری ترکیه در منطقه خاورمیانه ندارد، زیرا نفوذ منطقه‌ای که پیش از این در اختیار مصر بوده به سمت ترکیه تغییر جهت داده است و مصر خواستار نقش کلیدی سنتی خود در طرح صلح خاورمیانه است.

جنبش‌های اعراب، برای ترکیه آغازی خوب بود. رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه زودتر از دیگر رهبران جهان از حسنی مبارک، رئیس‌جمهور وقت مصر خواست تا به مطالبات مردم خود پاسخ دهد و از قدرت استعفا کند. ترکیه از روند دموکراسی‌خواهی و بیداری اسلامی ممالک عربی خشنود است و با اقدامات مختلف از مطالبات مردمی جانبداری می‌کند. به‌نظر می‌رسید آنکارا روند تحولات را بسیار سریع‌تر از دیگران درک می‌کند؛ تحولاتی که در راستای مواضع حزب عدالت و توسعه، یعنی اشاعه اصلاحات دموکراتیک در داخل و خارج کشور محسوب می‌شود. از این‌رو ترکیه و مصر جدید از درک متقابل مثبتی برخوردارند و نخبگان انقلاب مصر، از ترکیه به‌عنوان الگو یاد می‌کنند (Cook, 2011).

همچنین در سال ۲۰۱۰ وزرای خارجه ترکیه، لبنان، سوریه و اردن توافق کردند

تا به همکاری‌های خود در مورد ایجاد منطقه آزاد تجاری تحرک بخشند. اعتقاد بر این است که در خاورمیانه ساختاری شبیه اتحادیه اروپا در حال شکل‌گیری است. داوود اوغلو تأکید کرده است: «ما امیدواریم این موضوع نه تنها برای این چهار کشور، بلکه برای کل منطقه آغازگر فصل جدیدی باشد.» (هور، ۲۰۱۰: ۱)

این توافق در مجمع عرب - ترک که در ژوئن سال ۲۰۱۰ در استانبول برگزار گردید، حاصل شد. طی این مدت ترکیه و لبنان توافق‌نامه دوجانبه‌ای را در مورد ایجاد منطقه آزاد تجاری و لغو روادید منعقد کردند و بدین ترتیب زمینه توسعه منطقه آزاد تجاری را فراهم ساختند. داوود اوغلو همچنین اعلام کرده است که این همکاری در حال حاضر چهار حوزه انرژی، تجارت، حمل‌ونقل و توریسم را شامل می‌شود. او همچنین تأکید کرد درهای منطقه آزاد تجاری به روی کلیه کشورهای دوست منطقه باز است (هور، ۲۰۱۰: ۱).

به گفته وزیر امور خارجه ترکیه، این تنها آغاز روند همبستگی بیشتر است و این کشور قصد دارد منطقه‌ای از ترکیه تا افریقای استوایی را برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری تشکیل دهد؛ اما وی برنامه روشنی برای اجرای آن ارائه نداد. تاکنون واکنشی نیز از سوی کشورهایایی که قرار است در این منطقه عظیم آزاد تجاری حضور داشته باشند صورت نگرفته است (دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۸۹).

جدول ۲. حجم مبادلات تجاری ترکیه با برخی از کشورهای عربی در سال ۲۰۱۰

نام کشور	حجم مبادلات تجاری (بر حسب میلیارد دلار)
عربستان سعودی	۴/۶
مصر	۳/۲
عراق	۷/۵
کویت	۰/۶۰
قطر	۰/۳۳
امارات	۴/۱
لبنان	۰/۸۵
اردن	۰/۶۱
بحرین	۰/۲۴
ایران	۱۰/۵
سوریه	۲/۳
عمان	۰/۱۷
جمع	۲۷

Source: <http://www.mfa.gov.tr/>

همان‌گونه که در جدول (۲) پیداست، روند مبادلات تجاری ترکیه با خاورمیانه روند افزایشی داشته است و در مجموع در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۲۷ میلیارد دلار بوده است. در حالی که حجم مبادلات تجاری ترکیه فقط با آلمان در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۲۹ میلیارد یورو برآورد شد (سایت وزارت امور خارجه ترکیه، ۲۰۱۱). از این رو ترکیه نه می‌خواهد و نه می‌تواند بهبود روابط با خاورمیانه را در جهت نفی روابط با اروپا پیش ببرد.

نتیجه‌گیری

رهیافت سازه‌نگاری تلاش می‌کند ضمن پذیرش عوامل مادی در جهت‌دهی سیاست خارجی، نقش عوامل ذهنی و غیرمادی مانند جغرافیا، فرهنگ، مذهب و ... را نیز در این جهت‌گیری‌ها دخیل کند. تعامل این دو سطح سبب شده تا سیاست خارجی ترکیه، رویکردهای جدیدی را در سال‌های اخیر تجربه کند. رویکردی که با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی ترکیه، داشتن پس‌زمینه‌های اسلامی و تمدنی خاص مانند امپراتوری اسلامی و کمالیسم و منافع بلندمدت استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی، موجب شده است این کشور سیاست‌های نوع‌ثمانی‌گرایی را در پیش گیرد و به‌رغم وجود تنش‌هایی در سیاست داخلی بین حزب عدالت و توسعه و احزاب کمالیست، اکنون پس از گذشت ۸ سال از استقرار حکومت توسط حزب عدالت و توسعه و با وجود رشد اقتصادی بالا (بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸)، بیشتر ترک‌ها نسبت به وضعیت فعلی کشورشان در منطقه و جهان خوش‌بین هستند.

ترکیه در حال تبدیل شدن به پنجمین اقتصاد بزرگ اروپا و هفدهمین اقتصاد بزرگ در جهان است. اکنون ترکیه با انتخاب عثمانی‌گرایی جدید تبدیل به بازیگری مستقل و توانمند شده است. در حالی که در گذشته آمریکا و اروپا اغلب انتظاراتی بر مبنای نیازهای استراتژیک و ژئوپلیتیک خودشان از سیاست‌های ترکیه داشتند که بعضاً مورد رضایت و مطابق خواست آنکارا نبود.

سیاست خارجی جدید ترکیه به این معناست که این کشور به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت‌های تاریخی و هویتی خود در منطقه و جهان است و با این رویکرد در نظر دارد تا سال ۲۰۲۳ که صدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه

است، در خرده‌سیستم‌های منطقه‌ای به‌عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به‌عنوان بازیگر مطرح شناخته شود. نوعثمانی‌گرایی آمیزه‌ای از مطلوبیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ترکیه را به تصویر می‌کشد. درعین حال که نوعثمانی‌گرایی یک ایدئولوژی به‌شمار نمی‌رود، به‌عنوان رویکردی نوین با برجسته کردن عنصر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی به محیط ژئوپلیتیک ترکیه معنایی نوین می‌بخشد. در درون این رویکرد، جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی دیده می‌شود. در این تفسیر، در ظرف معرفتی «انسان ترکیه‌ای» سه عنصر هویتی یعنی مسلمان خاورمیانه‌ای، ترک اوراسیایی و شهروند اروپایی بودن با یکدیگر پیوند منطقی و معناداری برقرار می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت در ترکیه تحولات قابل تأملی در مناسبات هویتی، سیاسی و امنیتی در حال شکل‌گیری است که در کل، باعث شکل‌گیری هویت جدیدی شده، به منافع ملی این کشور جهت‌گیری خاصی داده، و رویکرد ترکیه به همسایگان و دیگر کشورهای خاورمیانه را با تحولات جدی روبه‌رو کرده است، که نمونه‌هایی از این تحولات را می‌توان در یافته‌های تحقیق مشاهده کرد.**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. در این مقاله مفهوم نوعثمانی‌گرایی به مفهوم کشورگشایی نیست و دلالت مفهومی منفی ندارد، بلکه به معنی نفوذ ترکیه در مناطق پیرامونی و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور براساس مزیت‌های تاریخی - هویتی آن است.
۲. (Carlowitz, Treaty) معاهده صلح بین عثمانی و اتحاد مقدس اروپایی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف - فارسی

آراس، بولنت و پولات، رابیا کاراکایا. ۱۳۸۶. «از مناقشه تا همکاری: غیرامنیتی کردن روابط ترکیه و ایران و سوریه»، ترجمه معصومه ظفرمند، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۹، پاییز. آزاد، سینا. ۱۳۸۹. «ترکیه سکولار یا اسلام‌گرا»، *دیپلماسی ایرانی*، در:

<http://www.irdiplomacy.ir>

آزاد، سینا. ۱۳۸۹. «ترکیه و طرح توقف غنی‌سازی»، *دیپلماسی ایرانی*، در:

<http://www.irdiplomacy.ir>

آقازاده، مازیار. ۱۳۸۹. «رجب طیب فاتح یا سلطان محمد اردوغان»، *سایت عصر ایران*، کد خبر: ۱۹۴۲۳۱در:

<http://www.asriran.com/fa/news/119423>

اسمیت، استیو. ۱۳۸۳. «رویکردهای واکنش‌گرا و سازه‌انگاری در نظریه‌های بین‌الملل»، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

اعلایی، احسان. ۱۳۸۹. «جایگاه امریکا در سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد»، *اندیشکده روابط بین‌الملل*، در:

http://www.irtt.ir/articles/international_policy/post_429.Php

اطهری، سید اسدالله. ۱۳۸۹. «اهداف حزب عدالت و توسعه از الحاق به اتحادیه اروپا (۲)»، در:

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/123/-2-.aspx>

افخمی، مهدی. ۱۳۸۹. «نوع‌ثمانی‌گرایی در ترکیه»، در:

<http://www.fararu.com/prtdsf0s.yt09f6a22y.html>

امیرمحمدی، محمد. ۱۳۸۳. «سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل»؛ به نقل از هفته‌نامه خردنامه همشهری، شماره ۴۳، اسفندماه، در:

www.bashgah.net

برزگر، کیهان. ۱۳۸۹. «روابط ایران و ترکیه: آثار آن بر استراتژی‌های سیاسی - امنیتی اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۴۴، سال یازدهم، در: <http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/1265/-----.aspx>

بقازازیان، آرمان و آرشاکیان، گریگور. ۲۰۰۹. «تغییرات جدید در سیاست خارجی ترکیه»، *مؤسسه خدمات ترجمه و تحقیق هور*، در: <http://www.hoosk.net/farsi/index.php>

بیاتی، عبدالحمید. ۱۳۸۹. «ترکیه و رؤیای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای»، در: <http://www.daneshju.ir>

حاجی یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۸۲. «ضرورت همکاری استراتژیک ایران با سه کشور پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه»، *ماهنامه برداشت اول*، فروردین. خرازی، سید صادق. ۱۳۸۹. «امریکا می‌خواهد ترکیه رهبر منطقه باشد»، مصاحبه با *پایگاه تحلیلی - خبری ریشه*، در: <http://www.risheh.com>

خطیب‌زاده، سعید. ۱۳۸۱. «ترکیه و اسرائیل: تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی - سیاسی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان. دفتر نمایندگی *تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران*. ۱۳۸۹. «چرخش ترکیه به سمت شرق با تشکیل مناطق آزاد تجاری»، کدخبر: ۱۳۹۵۶، گروه: ترتیبات تجاری منطقه‌ای، شماره ۱۳۱، سال چهاردهم، خرداد ماه، ترکیه. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. ۱۳۸۸. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. ۱۳۸۶. *کتاب سبز ترکیه*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه. سایت وزارت امور خارجه ترکیه به زبان انگلیسی (۲۰۱۱)، در: <http://www.mfa.gov.tr>

سایار، گوکمان چتین. ۱۳۸۵. «ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه»، ترجمه سید اسدالله اطهری، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال سیزدهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز، صص ۱۴۴ - ۱۱۹.

شکوهی، سعید. ۱۳۹۰. «بررسی مؤلفه‌های دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو»، *سایت بررسی استراتژیک*، <http://strategicreview.org/1390/02/25>

صدای روسیه. ۲۰۱۰. «تجدید نظر در روابط ترکیه با اسرائیل»، در: <http://persian.ruvr.ru/2010/06/17/10013296.html>

صالحی، سید جواد. ۱۳۸۹. «سلسله تحلیل‌هایی در خصوص تحولات سیاسی در ترکیه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه، در:

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/CategoryView/categoryId/11/Default.asp>

طاهایی، جواد. ۱۳۸۰. «کمالیزم؛ عناصر بحران در نگرش سیاست خارجی ترکیه»، *مجله راهبرد*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شماره ۲۱. عطایی، فرهاد. ۱۳۷۸. «نگرشی جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۱۹، پاییز، صص ۱۱۷-۱۲۲. فرهمند، مهرداد. ۱۳۹۰. «اردوغان و سودای احیای امپراتوری عثمانی»، در:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/06/110614_I32_mf_turkey.shtml

فولر، گراهام. ۱۳۷۹. *قبیله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخیر، تهران: نشر مرکز. فولر، گراهام. ۴-۱۳۸۳. «الگوی استراتژیک ترکیه: افسانه‌ها و واقعیت‌ها»، ترجمه لطف‌الله میثمی، *چشم‌انداز ایران*، شماره ۳۰. قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۳. *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.

قهرمان‌پور، رحمان. ۱۳۸۹. «سلسله تحلیل‌هایی در مورد تحولات سیاسی در ترکیه»، *مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه*، در:

<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/CategoryView/categoryId/11/Default.aspx>

قهرمان‌پور، رحمان. ۱۳۸۳. *امنیت بین‌الملل: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

کاکایی، سیامک. ۱۳۸۴. «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد»، *فصلنامه خاورمیانه*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

کاکایی، سیامک. ۱۳۸۹. «نگاه ترکیه همچنان به غرب است»، *کد مطلب: ۶۳۷۴۷*، در: www.khabaronline.ir

کاگاپاتای، سوتر. ۱۳۸۹. «آیا ترکیه در حال جدایی از غرب است؟»، ترجمه محمد مظهري، در: *سایت باشگاه اندیشه*.

کوشکی، محمدصادق. ۱۳۸۷. «اقدام اردوغان در داووس نمایش باورهای واقعی ترکیه در قبال اسرائیل است»، در:

<http://koushki.com/?p=471>

کوکوکسان، تالیپ. ۱۳۸۷. «تناقض دموکراسی در ترکیه»، ترجمه سوده کریمی، *اندیشکده روابط بین‌الملل*، در:

http://www.irtt.ir/articles/international_policy/post_44.php

گولپ، هالدون. ۲۰۰۱. «اسلام سیاسی در ترکیه»، ترجمه نیره نظریا، در:

<http://noorportal.net>.

مرادیان، محسن. ۱۳۸۵. *برآورد استراتژیک ترکیه*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مرشدی، ارسلان. ۱۳۸۸. «پیوندهای استراتژیک در روابط ایران و ترکیه»، کد مطلب: ۸۸۶۱۹، در:

<http://www.hamshahrionline.ir>

مککینی، دیوید. ۲۰۰۹. «بهبود روابط با ترکیه، اوپاما به دنیای اسلام نزدیک می‌شود»، در: <http://www.america.gov/persian>

مؤسسه خدمات ترجمه و تحقیق هور. ۲۰۱۰. «ترکیه در خاورمیانه ساختاری شبیه اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند»، در:

<http://www.hoosk.net/farsi/index.php>

نعیمی، وحیدرضا. ۱۳۸۳. «ترکیه و خاورمیانه بزرگ»، *ماهنامه همشهری دیپلماتیک*، شماره ۲۸، آبان.

واعظی، محمود. ۱۳۸۷. «تجربه جدید در ترکیه: تقابل گفتمان‌ها»، *مجله راهبرد*، شماره ۴۷، تابستان.

ونت، الکساندر. ۱۳۸۴. *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب - انگلیسی

Adler, Emanuel. 1997. "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics", *European Journal of International Relations*, Vol. 3, No. 3.

Aral, Bercla. 2005. "An Inquiry into the D-8 Experiment Model of an Islamic Common Market?" *Alternatives*, Spring-Summer 2005, Vol.4, No. 182.

Aras, Bülent. 2001. "Turkish Foreign Policy toward Iran: Ideology and Foreign Policy in Flux", *Journal of Third World Studies*, Vol. 18, No. 1.

Aras, Bülent. 2004. "After the threats, Syria and Turkey Are Fast Friends", *Daily Star*, 4/January, at:

http://www.dailystar.com.lb/article.asp?edition_id=10&categ_id=5&article_id=1486

Aras, Bülent & Polat, Rabia Karakaya. 2008. "From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relation with Syria and Iran", at:

<http://sdi.sagepub.com/content/39/5/495.short>.

CIA World Factbook. 2010. at:

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/tu.html>.

Chappell, Gareth. 2010. "Turkey, Russia and Iran: Common Interest, Common Positions?" *Konard Adenauer Stiftung*, Report prepared in association with Konrad Adenauer Stiftung in Poland, at:

http://csm.org.pl/fileadmin/files/Biblioteka_CSM/Raporty_i_analizy/2010/Report_s%20and%20Analyses_Turkey_Russia_Iran.pdf.

- Cook, Steven A. 2011. "Arab Spring, Turkish Fall", **Foreign Policy**, at:
http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/05/05/arab_spring_turkish_fall.
- Cornell, Erik. 2001. **Turkey in the 21Century**, London: Routledge.
- Dumman, Ismail. 2010. "Turkey- Iran Relation: Friends or Foes?" **World Bulletin Research Desk-DÜBAM**, at:
http://www.worldbulletin.net/news_detail.php?id=66298.
- Finn, Robert P. 2010. "The U.S. and Turkey in 2010", at:
http://www.princeton.edu/~lisd/archived/commentary_october2010.pdf.
- Gul, Abdullah. 2009. "Full-Text of Turkish President Abdullah Gul's Lecture on 'Turkish Foreign Policy in the New Era' at USAK", **the Journal of Turkish Weekly**, at:
<http://www.turkishweekly.net/article/338/full-text-of-turkish-president-abdullah-gul-39-s-lecture-on-39-turkish-foreign-policy-in-the-new-era-39-at-usak.html>
- Hale, William. 2006. **Christian Democracy and the AKP: Parallels and Contrasts**, Edited by: Ali çarkoglu and Barry Rubin, London - New York, Routledge, Taylor & Francis Group, at:
<http://assr.revues.org/10293>.
- International Crisis Group**. 2010. "Turkey's Crises over Israel and Iran", at:
<http://www.crisisgroup.org/en/regions/europe/turkey-cyprus/turkey/208-turkeys-crises-over-israel-and-iran.aspx>
- International Monetary Fund**, "Directory of Trade Statistics" (DOTS), in:
<http://www.imf.org/external/siteindex>
- Jeffrey T. Checkel(1998), "international institutions and socialization", at:
<http://www.arena.uno.no/publications/wp>
- Kieffer, Paul. 2011. "Erdogan's Grand Vision for Turkey and the Arab World", **World News & Prophecy**, at:
<http://www.wnponline.org/wnp/wnp1103/erdogan-grand-vision-for-turkey-and-the-arab-world.htm>
- Kinnander, Elin. 2010. "The Turkish- Iranian Gas Relationship: Politically Successful, Commercially Problematic", **Oxford Institute for Energy Studies**, at:
<http://www.europeanenergyreview.eu/index.php?id=1681>
- Kaliber, Alper & Tocci, Nathalie. 2010. "Civil Society and Transformation of Turkey's Kurdish Question" , **Transatlantic Academy, Washington, DC, USA , Institute Affair International, Rome, Italy**, at:



- <http://sdi.sagepub.com/content/41/2/191.abstract>
- Latham, Judith. 2008. "CIA Agent Graham Fuller: Turkey is becoming a major player", at: <http://www.militaryphotos.net/forums/showthread.php?145306-CIA-Agent-Graham-Fuller-Turkey-is-becoming-a-major-player>
- Martin, Griffiths. 1999. **Fifty Key Thinkers in International Relation**, London: Routledge.
- Meral, Ziya & Paris, Jonathan. 2010. "Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity", Center for Strategic and International Studies, **the Washington Quartely**, DOI: 10.1080/0163660X.2010.516613.
- Papkin, David. 2010. "Iran-Turkey Economic Relations: What Their Rapid Growth Means for Iran's Nuclear Program", **Iran Tracker/Analysis**, at: <http://www.irantracker.org/analysis>
- Perthes, Volker. 2010. "Turkey's Role in the Middle East: An Outsider's Perspective", **Insight Turkey**, Vol.12, No.4.
- Rubin, Micheal. 2004. "Shifting sides? The problems of neo-ottomanism", at: www.meforum.org
- Sarac, Fevzi. 2010. "Turkish Foreign Policy in the Theory and Practice", **Washington Review**, at: <http://www.thewashingtonreview.org/articles/turkish-foreign-policy-in-theory-and-practice.html>
- Sanguinetti, Vittorio. 1997. "Turkey and the European Union: Dreaming West but Moving East", **Mediterranean Quarterly**, Vol.8, Winter.
- Taqrib News Agency. 30March2011. "Erdogan visits Ayatollah Sistani, Imam Ali shrine", at: <http://www.taghribnews.com/vdcjxyex.uqexmz29fu.html>
- Taspinar, ömar. 2008. "Turkey's Middle East Policies (Between Neo-Ottomanism and Kemalism)", **CARNEGIE ENDOWMENT**, Carnegie Middle East Center.
- Vira, Varun. 2010. "The Neo Ottomans: Looking East without Looking Back", **Foreign Policy Journal**, June 15, at: www.foreignpolicyjournal.com
- Yİnanç, Barçın. 2011. "Turkey's Relations with Iraq Back on the Right Track", at: www.hurriyetdailynews.com
- Zarif, Maseh. 2010. "Iran's Nuclear Proposal in Context", **Iran Tracker/ news-highlight**, at: <http://www.irantracker.org/news-highlight/irans-nuclear-proposal-context>.